

شفیعه روز جزا، حضرت معصومه علیها السلام

<?xml encoding="UTF-8">

عمه سادات سلام علیک / روح عبادات سلام علیک
عمه سادات بگو کیستی / فاطمه یا زینب ثانیستی

شناسنامه حضرت

کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام اول ماه ذی القعدة سال 173 هـ . ق . در مدینه چشم به جهان گشود و در سن 28 سالگی در روز 10 یا 12 ربیع الثانی سال 201 هـ . ق . در شهر مقدس قم به ریاض جنت پر کشید (1) .

القاب شریف آن حضرت، معصومه، کریمه اهل بیت، ستی و فاطمه کبری است . پدر بزرگوارش حضرت امام موسی بن جعفرعلیهما السلام و مادر آن حضرت، «نجمه» است (2) .

مادر آن حضرت

نجمه خاتون مادر بزرگوار امام رضاعلیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام است . او از زنان برجسته زمان خود بود و در عقل، دین، حیا، جمال ظاهری و باطنی نظیر نداشت .
«حمیده» مادر امام هفتم علیه السلام همیشه از نجمه یاد می کرد و از روزی که او را به خانه برد مورد احترام قرار داد و هرگز پیش او نمی نشست مگر برای تعظیم و احترام او .
روزی حمیده به حضرت کاظم علیه السلام عرض کرد: «پسرم! نجمه کنیزی است که من بهتر از او را ندیده ام؛ او زنی زیرک و دارای محاسن زیادی است و می دانم هر نسلی از او بدنیا آید، پاک و مطهر است؛ او را به تو بخشیدم و از تو درخواست می کنم حال او را رعایت کنی . (3)»
در روایتی آمده است: وقتی حمیده را خرید، شبی رسول خداصلی الله علیه وآله را در خواب دید که به او فرمود:
«ای حمیده! نجمه را به فرزند خود موسی ببخش، همانا از او فرزندی به دنیا می آید که بهترین اهل زمین است .»

مقام و منزلت حضرت نجمه علیها السلام

مرحوم علامه مجلسی رحمه الله از کتاب ارزشمند عیون اخبار الرضاعلیه السلام روایتی را نقل کرده است که توجه به آن ما را به مقام و منزلت حضرت «نجمه خاتون» مادر بزرگوار امام هشتم و خواهرش حضرت معصومه علیها السلام آگاه می کند . روایت مورد نظر را ذیلا از نظرتان می گذرانیم:
روزی امام کاظم علیه السلام از هشام پرسید: آیا خبرداری که کسی از برده فروشان آمده باشد؟ عرض کرد: نه .
هشام می گوید: پس آن حضرت فرمود: آمده است . و ما با هم نزد او رفتیم . برده فروشی را دیدیم که غلامان و کنیزان بسیاری آورده بود .

آن حضرت فرمود: کنیزانی که برای فروش آورده ای را بر ما عرضه کن، او نه کنیز را بیرون آورد . حضرت هر یک را می دید، می فرمود: این را نمی خواهم . آن گاه فرمود: آیا کنیز دیگری داری؟ گفت: نه، جز یک کنیز که او سخت بیمار است .

حضرت فرمود: او را بیاور، برده فروش امتناع کرد، حضرت برگشت و روز بعد مرا نزد او فرستاد و فرمود: به هر قیمتی که بگوید آن کنیز را برای من خریداری کن .

هشام می گوید: چون نزد برده فروش رفتم، او قیمت را بالا برد و من پذیرفتم و او را خریدم .»

مرد برده فروش پس از دریافت پول رو به من کرد و گفت: مردی که دیروز همراهش بودی چه شد و او که بود؟ گفتم: او مردی از بنی هاشم است .

گفت از کدام تیره بنی هاشم؟ گفتم: بیش از این می پرس .

آن گاه آن مرد برده فروش گفت: بدان که من این کنیز را از دورترین مناطق مغرب خریدم . روزی زنی از اهل کتاب این کنیز را همراه من دید و پرسید: این را از کجا آورده ای؟ گفتم: او را برای خود خریده ام . آن زن گفت: سزاوار نیست که این کنیز نزد تو باشد، او از آن بهترین اهل زمین است و چون به او رسد از او فرزندی به دنیا می آید که اهل مشرق و مغرب از او اطاعت کنند .

راوی در ادامه می گوید: چیزی نگذشت که او در ملک امام موسی بن جعفرعلیهما السلام در آمد و حضرت رضاعلیه السلام متولد شد (4) .

به هر روی از افتخارات بزرگ حضرت معصومه علیه السلام این است که ایشان از طرف پدر و مادر با حضرت رضاعلیه السلام یکی است و این بر شرافت و برتری ایشان افزوده است .

حضرت معصومه علیها السلام در روایات

1 . قال الصادق علیه السلام:

«ان لله حرما وهو مكة وللرسول حرما وهو المدينة ولامير المؤمنين حرما وهو الكوفة ولنا حرما وهو قم وستدفن فيها امرأة من ولدی تسمى فاطمة من زارها وجبت له الجنة (5) ;

برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خداصلی الله علیه وآله حرمی است و آن مدینه است و برای امیرمؤمنان علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی زنی از فرزندان من در آنجا دفن می شود که نامش «فاطمه» است؛ هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد .»

2 . مرحوم محدث قمی رحمه الله نقل کرده است که امام رضاعلیه السلام به «سعد اشتری قمی» فرمود:

«ای سعد! نزد شما قبری از ما هست . سعد گفت: قبر فاطمه دختر امام موسی بن جعفرعلیهما السلام را می فرمایید؟ فرمود: آری . هر کس او را زیارت کند و حق او را بشناسد بهشت برای اوست . (6)»

3 . قال الصادق علیه السلام:

«الا ان قم كوفتنا الصغيرة، الا ان للجنة ثمانية ابواب ثلاث منها الى قم تقبض فيها امرأة هي من ولدی، اسمها فاطمة بنت موسی، تدخل بشفاعتها شيعتى الجنة باجمعهم؛ (7) قم کوفه کوچک ما است . برای بهشت هشت در است که سه در آن به سوی قم است . زنی در قم وفات می کند که از اولاد من است و نامش فاطمه دختر موسی بن جعفرعلیهما السلام است . در روز قیامت با شفاعت او تمام شیعیان من وارد بهشت می شوند .»

4 . قال الجوادعليه السلام:

«من زار قبر عمّتي بقم فله الجنة» (8)

کسی که قبر عمه ام را در قم زیارت کند سزاوار بهشت است .»

5 . قال الرضاعليه السلام:

«من زارها عارفاً بحقها فله الجنة» (9) ;

کسی که [فاطمه معصومه را] زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد، پاداشش بهشت است .»

آینه حضرت زهراعلیها السلام

شیخ عبدالله موسیانی که از شاگردان آیه الله العظمی مرعشی نجفی بود، نقل کرده است که: «حضرت آیه الله مرعشی نجفی رحمه الله به طلاب می فرمود:

«علت آمدن من به قم این بود که پدرم آقا سید محمود مرعشی که از زهاد و عباد معروف زمان خود بود، چهل شب در حرم امیرمؤمنان علیه السلام بیتوته کرد تا آن حضرت را ببیند . شبی در حال مکاشفه امیرمؤمنان علیه السلام را دیده بود که به ایشان فرمود: سید محمود! چه می خواهی؟ عرض کرد: می خواهم بدانم قبر فاطمه زهراعلیها السلام کجاست؟ حضرت فرموده بودند: من نمی توانم برخلاف وصیت آن حضرت قبر را معلوم کنم . عرض کرد: پس من اگر بخوام آن حضرت را زیارت کنم، چه کنم؟ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: خداوند، جلال و جبروت حضرت زهراعلیها السلام را به فاطمه معصومه علیها السلام عنایت فرموده است . هر کس بخواند ثواب زیارت حضرت فاطمه را درک کند، به زیارت حضرت معصومه علیها السلام برود . آیه الله مرعشی نجفی می فرمود: من به همین علت به قم آمدم؛ ماندگار شدم و الآن شصت سال است که هر روز من اول زائر حضرتم .» (10)

کرامات حضرت معصومه علیها السلام

یکی از برترین فضایل و کمالات اهل بیت علیهم السلام ادای حاجات و برآورده کردن خواسته های نیازمندان است . از نظر شیعه فرقی میان حیات و موت اهل بیت علیهم السلام نیست و آن بزرگواران در هر حال ناظرند و حاجات حاجتمندان را بر می آورند . حضرت معصومه علیها السلام نیز مانند آبا و اجداد کرام خود دارای کرامات و معجزاتی است که بی تردید نشان از عظمت و برتری آن حضرت دارد . کرامات آن حضرت اعم از شفای بیماران و شفای روشن دلان و ناشنویان و . . . بسیار است . در این قسمت به دو نمونه اشاره می کنیم .

1 . شفای معجزه آسا یکی از خدام حرم حضرت معصومه علیها السلام به نام «میرزا اسدالله» بیمار و انگشتان پایش سیاه شده بود، جراحان اتفاق نظر داشتند که باید پای او قطع شود تا مرض به قسمتهای بالاتر سرایت نکند . قرار شد فردای آن روز به بیمارستان رفته، پایش را قطع کنند . میرزا اسدالله گفته بود: حالا که چنین است، امشب مرا به حرم مطهر دختر موسی بن جعفرعلیهما السلام ببرید . او را به حرم بردند، شب هنگام، خدام حرم در را بستند و او پای ضریح مانده و به درگاه دختر موسی بن جعفرعلیهما السلام پناه آورده بود .

نزدیک اذان صبح خادمان حرم صدای میرزا را می شنوند که فریاد می زند: در را باز کنید، حضرت مرا شفا داده است . در را باز کردند، دیدند او خوشحال و خندان اشک شوق می ریزد و ماجرای شفای خود را این گونه بیان می کند:

خانم مجلله ای را دیدم که به نزد من آمد و گفت: «تو را چه شده است؟ عرض کردم: درد پایم مرا عاجز کرده است، از خداوند شفای دردم را می خواهم . آن بانوی بزرگ گوشه مقنعه خود را چند دفعه به روی پای من کشید و فرمود: تو را شفا دادیم . عرض کردم: شما کیستید؟ فرمود: مرا نمی شناسی و حال آن که نوکری مرا می کنی؟ من فاطمه، دختر موسی بن جعفر هستم .

میرزا اسدالله می گوید: وقتی به حالت عادی برگشتم، مقداری پنبه در آنجا دیدم . آن را برداشته و به هر مریضی که ذره ای از آن را می دادم و او به جای درد می کشید، شفا پیدا می کرد .

وی می گوید: آن مقدار پنبه در خانه ما بود تا وقتی که سیلابی آمد و خانه ما را خراب کرد و آن پنبه از بین رفت و دیگر پیدا نشد . (11)»

2 . عنایت به ملاصدرا مرحوم محدث قمی می فرماید: «از بعضی اساتید خود شنیدم که: مرحوم ملاصدرای شیرازی هنگامی که به قم مهاجرت کرد و در روستای «کهنک» اقامت نمود، هرگاه مطالب علمی بر او مشکل می شد، آن حکیم فرزانه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام می آمد و با توسل به آن بزرگوار مشکلات علمی خود را حل می نمود و از آن منبع فیض الهی مورد عنایت قرار می گرفت . (12)»

صفای دل بجز مهر شما نیست / که بی مهر شما دل را صفا نیست
شما پوشیده در ذات خدایید / خدا هم از شما هرگز جدا نیست
خوشا حال دل بیمار عشقی / که جز وصل شما او را دوا نیست

چگونگی وفات فاطمه معصومه علیها السلام

در سال 201 ه . ق، یک سال پس از سفر تبعید گونه امام رضا علیه السلام به شهر «مرو» ، کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام همراه عده ای از برادران خود برای دیدار و تجدید عهد با امام زمان خویش بسوی دیار غربت راهی شدند .

وقتی به شهر «ساوه» رسیدند عده ای از مخالفان اهل بیت علیهم السلام با ماموران حکومتی همراه شدند و آنان را مورد هجوم قرار دادند . در این هجوم کینه توزانه عده ای از همراهان حضرت معصومه علیها السلام به شهادت رسیدند .

در شهر ساوه بود که حضرت بیمار شدند، فرمودند: مرا به قم ببرید، چرا که از پدرم شنیدم «شهر قم مرکز شیعیان ماست» . آن گاه حضرت را به طرف قم حرکت دادند . مردم قم که از این خبر مسرت بخش بسیار خرسند شده بودند، به استقبال حضرت آمدند . در حالی که «موسی بن خزرج» بزرگ خاندان «اشعری» زمام شتر آن مکرمه را می کشید، در میان شور و احساسات مردم وارد آن شهر شدند و در منزل موسی بن خزرج که امروزه به محله میدان میر - جنب 45 متری عمار یاسر - معروف است، اجلال نزول نمودند (13) .

آن بانوی بزرگ هفده روز در شهر ولایت و امامت به سر برد و آخرین روزهای زندگی خود را به عبادت، مناجات و راز

و نیاز پرداخت و سرانجام از دنیا رفت .

راز پرواز در باره بیماری و مرگ زود رس آن بزرگوار گفته شده است که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نموده است . (14) این مطلب با توجه به درگیری دشمنان و کینه توزان در هنگام ورود به شهر ساوه، بعید نیست .

مراسم تشییع پس از وفات آن حضرت و اجرای مراسم غسل و کفن، ایشان را به سوی قبرستان «بابلان» تشییع کردند . هنگام دفن پیکر پاک و مطهر آن حضرت، دو سوار توجه همه را به خود جلب کردند . آن دو سوار به طرف جمعیت آمدند و بر بدن مبارک حضرت نماز گزارند و آن را دفن نمودند . یکی از بزرگان می فرمود: هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار، امامان معصومی باشند که برای این امر مهم به قم آمدند (15) .

پس از پایان مراسم دفن، موسی بن خزرج سایبانی از حصیر و بوری بر قبر شریف آن بزرگوار برافراشت . این سایبان برقرار بود تا زمانی که حضرت زینب دختر امام جوادعلیه السلام وارد قم شد و قبه ای آجری بر آن بنا کرد (16) .

شفیعه روز جزا ای گل نورسته باغ ولا

پنجره وا شده رو به خدا

آینه عصمت و جود و کرم

محرم هر لحظه بیت الحرم

شعر عفاف را تو شاه بیتی

فاطمه دوم اهل بیتی

سفره اطعام کرامت تویی

شفیعه روز قیامت تویی

بوی بهشتی که به همراه تست

تا به ابد بدرقه راه تست

مجتهدین خادم این خانه اند

به گرد شمع تو چو پروانه اند

در گرانمایه برای شیعه

پشت و پناه علمای شیعه

هر طلبه خادم درگاه تست

همچو گدایی به سر راه تست

گرچه خدا خواست به حکم قضا

تا که نبینی گل روی رضا

لیک دلت بوی رضا می دهد

بر دل هر خسته صفا می دهد

گاه کن از این دل دیوانه یاد

عمه دلسوز امام جواد
کن دلم آزاد زرنج و الم
دختر زندانی بغداد غم
تا به ابد مست سلام توام
حضرت معصومه غلام توام
مرغ دلم حالت بیمار داشت
نیمه شب این نغمه به منقار داشت
آن سه وفادار که مظلومه اند
فاطمه و زینب و معصومه اند
یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة
فان لك عندالله شانا من الشان

پی نوشت ها :

- (1) فروغی از کوثر، ص 32 .
- (2) دلائل الامامه، ص 309 .
- (3) همسران با فضیلت، گذری به زندگانی مادران چهارده معصوم علیهم السلام، ص 75 .
- (4) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 14 .
- (5) بحارالانوار، ج 102، ص 265 .
- (6) منتهی الامال، ج 2، ص 270 .
- (7) جامع احادیث الشیعة، ج 12، ص 617 .
- (8) بحارالانوار، ج 102، ص 265 .
- (9) همان .
- (10) فروغی از کوثر، زندگانی حضرت معصومه علیها السلام، ص 87 .
- (11) انوار المشعشعین، حاج شیخ محمد علی قمی، ص 216 به نقل از فروغی از کوثر .
- (12) فوائد الرضویه، ص 379 به نقل از همان، در حاشیه اسفار نیز به این نکته تصریح شده است . .
- (13) تاریخ قدیم قم، ص 213 .
- (14) وسیلة المعصومیة، میرزا ابوطالب بیوک، ص 68؛ قیام سادات علوی، علی اکبر تشید، ص 168 .
- (15) آیه الله فاضل لنکرانی دام ظلّه .
- (16) سفینه البحار، ج 2، ص 376 .